

طرح پیشنهادی قطعنامه حرکت اعتراضی در برابر کنفرانس بن دوم

ما افغانهای مقیم اروپا اعم از افراد عادی و فعالین مربوط به احزاب، سازمانها و نهادهای سیاسی و اجتماعی و نیز روشنفکران و فعالین سیاسی مستقل که از وضعیت ناهنجار کنونی و بربریت جاری در افغانستان ناراضی بوده و برآن معترضیم، امروز.....شنبه مؤرخ با گردهم آیی و با به راه اندازی حرکت اعتراضی در برابر مقرر برگزاری "کنفرانس بن دوم" که در شهر بن آلمان برگزار گردیده است، میخواهیم صدای اعتراض به گلو خفته زنان، کودکان، مردان و جوانان کشورمان را هرچه رساتر فریاد کرده و به سمع شرکت کننده گان این کنفرانس و دولتهای متبوعشان و نیز مقامات ملل متحد و سائر نهادهای سیاسی و اجتماعی و نهادهای مدافع حقوق بشر در افغانستان، منطقه و جهان برسانیم.

ما شرکت کننده گان این گرد هم آیی و حرکت اعتراضی خواستها و مطالبات خویش را به نماینده گی از مردم ستمدیده افغانستان در چند نکته زیر خلاصه مینماییم:

۱. از دولتهای درگیر در قضیه افغانستان که به این کشور نیروی نظامی و مشاورین سیاسی فرستاده اند و آنرا عملاً در قبضه و اختیار خویش دارند، میخواهیم تا از معامله گری با نیروها و چهره های رسوا و شناخته شده جنایات سه دهه اخیر دست برداشته و آنان را بیشتر از این مورد حمایت و پشتیبانی قرار ندهند و برای خلع آنان از مناصب دولتی و کشاندن ایشان به پای میز محاکمه، زمینه های لازم را فراهم آورند.

۲. طبق مواد مندرجه کنوانسیون ژنیو، نیروهای اشغالگر مکلف اند تا امنیت جانی و مالی شهروندان کشورهای اشغال شده را تأمین و از گسترش هرج و مرج و نا امنی در آن جلوگیری نمایند، مگر متأسفانه این نیروها در افغانستان به این امر توجه چندانی مبذول نداشته و مصروف دست یابی و به سررساندن اهداف و منافع خاص خودشان میباشند. لذا ما شرکت کننده گان این گردهم آیی از مقامات دولتهای اشغالگر کشورمان میخواهیم تا به این امر مهم و حیاتی جداً توجه نموده و عملاً دست به کار شوند.

۳. سیاست مصالحه با طالبان آشکارا مخالف ادعاهای اولیه ایالات متحده آمریکا و متحدین آن و نیز در ضدیت کامل با منافع مردم افغانستان بوده و به هیچ صورتی نمیتواند صلح و آرامش را در کشور تأمین نماید. لذا از آمریکا و شرکای نظامی اش در افغانستان و نیز از دولت تحت الحمایه آنان جداً میخواستیم تا به تأسی از تعهدات اولیه شان و با اتخاذ سیاستهای قاطع در برابر طالبان و سایر گروههای عقبگرا و قرون وسطایی مانند دارودسته حقانی و حکمتیار، این نیروهای شر و فساد را وادار نمایند تا از ارتکاب جنایت و کشتار بیرحمانه مردم بیگناه و بی دفاع کشور دست برداشته و به زنده گی عادی و صلح آمیز روی آورند.

۴. کشورهای همسایه به خصوص ایران و پاکستان با استفاده از ناتوانیهای و نارسایی های دولت دست نشانده و عدم توجه و سهل انگاریهای قوای ناتو، به مداخلات و تجاوزات خویش بالای افغانستان ادامه داده و به آن بعد های تازه یی بخشیده اند، چنانکه اقدامات تحریک آمیز مذهبی و قومی از جانب رژیم اسلامی ایران و راکتباران مناطق سرحدی کشور و پشینیانی، تمویل و تجهیز طالبان و سایر گروههای دهشت افکن از جانب رژیم نظامیگر پاکستان، تازه ترین گواه این ادعاست. ما ضمن تقبیح این مداخلات و تجاوزات بی پرده و بی شرمانه، از دولتهای اشغالگر و در رأس همه ایالات محده آمریکا خواهانیم تا با استفاده از همه طریقه ها و وسائل ممکن جلو این تجاوزات آشکار و بیشرمانه را گرفته و نگذارند تا بیشتر از این ادامه یابد.

۵. ما شرکت کننده گان این حرکت اعتراضی از کمیساریای حقوق بشر سازمان ملل متحد و سایر نهادهای مدافع حقوق بشر جداً تقاضا مینماییم تا از حالت نظاره گری محض بیرون آمده و به وضعیت رقتبار مردم افغانستان و به خصوص زنان و کودکان و پامال شدن ابتدایی ترین حقوق انسانی آنان توجه جدی مبذول داشته و موارد نقض این حقوق را برجسته سازد و نقض کننده گان آنرا آشکارا و بدون کرنش و ملاحظه کاری سرزنش و توبیخ نماید.

۶. ما شرکت کننده گان این حرکت اعتراضی به این باوریم که علت و عامل اصلی تمام نابه سامانی ها و چالشهای کنونی کشور را فقر و ناداری و بینوایی شدید و منحصر به فردی تشکیل میدهد که در نتیجه عدم توجه به زیر ساختهای اقتصادی و عام المنفعه دامنگیر مردم افغانستان گردیده و اکثریت قاطع آنان را به زیر خط فقر رانده است. لذا از دولت دست نشانده و حامیان خارجی آن با قاطعیت تمام تقاضا مینماییم تا به این امر مهم و حیاتی جداً توجه و از گسترش تبعات فاجعه بار آن جلوگیری نمایند.

۷. معلمین، کارمندان پایین رتبه دولتی و کارگران با معاشی که از دولت و کارفرمایان دریافت می‌دارند ده در صد از آنچه را که برای زنده گی بخور و نمیر و آبرومند به آن نیاز دارند تأمین کرده نمی‌توانند. و این خود یکی از برجسته ترین عوامل فساد اداری، رشوه ستانی و اختلاس و ندانم کاری در دستگاه دولت بوده و ایجاب مینماید تا معاشات و دستمزدهای کارمندان و کارگران به اندازه یی بلند برده شود که بتوانند حد اقل مایحتاج زنده گی آبرومندانۀ خود و اعضای فامیل خود را تأمین نمایند. همچنان حقوق تقاعد و بازنشسته گی شکل سمبولیک داشته و به طرز خنده آوری پایین و ناچیز است و به هیچ وجه نیازمندیهای مبرم اشخاص متقاعد و بازنشسته را که در عین حال از کهولت و بیماریهای ناشی از آن نیز در عذاب اند، نمیتواند تکافو نماید و ایجاب مینماید تا در این زمینه تجدید نظر صورت گرفته و این حقوق تا حد تأمین نیازمندیهای اولیه متقاعدین بلند برده شود. در همین راستا باید یاد آور شویم که معلولین و آسیب دیده گان جنگهای سی ساله و نیز بازمانده گان کسانی که در این جنگهای خانمان سوز جانهای خود را از دست داده اند از حقوق و امتیازات لازم برخوردار نبوده و در فقر و تهی دستی مطلق به سر میبرند که ایجاب مینماید تا برای آنان معاش ماهانه و مستمری مناسب پرداخته شود تا بتوانند رنجها و آلام خویش را فراموش و به گونه یی آبرومندانه و با عزت در جامعه زیست نمایند. تحقق بخشیدن به این مطالبات در شرایطی که سالانه ملیاردها دالر به کشورمان سرازیر میگردد یک آرمان خیالی و ناممکن نبوده و به ساده گی قابل اجرا میباشد.

۸. ملیونها کارگر در سراسر کشور از بام تا شام در بدترین شرایط کاری عرق میریزند و کار میکنند ولی در پایان روز یا با دستان خالی و به امید فرا رسیدن روز توزیع معاشات یکماهه که آنهم در بهترین حالت تکافوی مصارف پنج روزه آنان را کرده نمیتواند و یا با دریافت دستمزدی که نمیتواند با آن حد اقل نان خشکی برای فرزندانشان خریداری نمایند، راهی خانه و کاشانه خویش میشوند و از اینهم رنج دهنده تر آنکه صدها هزار پیر و جوان بیکار که به جز نیروی بازوی خویش چیز دیگری در اختیار ندارند، صبحگاهان راهی چهار راهها و فلکه های شهر میشوند تا باشد که آقایی و کارفرمایی بیاید و با هزار خود نمایی و تبختر ایشان را اجیر و به کار بگمارد. مگر تعداد آقایان و کارفرمایان کمتر از آنست که بتوانند همه این بیکاران را به کار بگمارند و در نتیجه بسیاری از آنان بعد از ظهر با شکمهای گرسنه و دستهای خالی

نومیدانه به خانه های خویش و به نزد زن و فرزندان منتظر و گرسنه خویش برمیگردند و هیچ چشم بینا و گوش شنوایی نیست تا این وضعیت ناعادلانه و غیرانسانی را ببیند و فریاد این انسانهای مظلوم را بشنود. قانون و مقرراتی که بتواند منافع این انسانهای ستمکش را در پایین ترین سطح آن تأمین و از حقوق آنان دفاع نماید و وجود ندارد و آنچه که به نام قانون کار وجود دارد به اعتراف وزیر کار و امور اجتماعی دولت دست نشانده با معیارهای بین المللی مطابقت و همخوانی نداشته و نیاز به تجدید نظر دارد. لذا با جدیت تمام از مقامات دولت پوشالی و حامیان ملیاردر آنان میخواستیم تا لحظه یی به حال این ستمکشان بیندیشند و به خاطر پایان دادن به این وضعیت تکان دهنده و غیر انسانی اجراءات لازم را روی دست گیرند.

۹. در افغانستان امروز میلیونها کودک یگانه نان آور خانواده های شان هستند و هزاران کودک دیگر در پهلوی مادران محبوس خویش و به خاطر جرم آنها سلب آزادی شده اند و عملاً در زندانها به سر می برند و از داشتن هرگونه فرصتی برای آموزش و رفتن به مکتب و از هر نوع حق کودک محروم اند و با گذشت هر روز به تعداد آنان افزوده میشود، مگر مقامات دولت تحت الحمايه و حامیان سرمایه دار ایشان با بی تفاوتی تمام این کودکان محروم را تماشا و نظاره مینمایند و لحظه یی هم به خاطر حل این معضل نمی اندیشند.

۱۰. همه میدانند که در افغانستان بیشتر از هشتاد درصد از شهروندان و به خصوص معلمان، کارمندان، کارگران و مستخدمین دولتی در حالت بی سرپناهی و خانه به دوشی به سر میبرند در حالیکه مقامات تازه به دوران رسیده دولت پوشالی به گونه یی مافیایی و چپاولگرانه هزاران هکتار از زمینهای رهاشی ملکیت عامه را به عناوین مختلف غصب و به قیمتهای گزافی بالای چپاولگران کوچکتر از خودشان که در نتیجه غصب و نهب بخشهای دیگری از دارایی های عامه صاحب مال و مکتب و سرمایه شده اند به فروش میرسانند. لذا بی سرپناهی و خانه به دوشی یکی دیگر از دشواری ها و معضلات اجتماعی و اقتصادی کشور را تشکیل میدهد و ایجاب مینماید تا به خاطر حل آن اقدامات جدی و عملی صورت گیرد.

۱۱. مسأله کوچی های که بیشتر از یک و نیم میلیون از باشندگان افغانستان را تشکیل میدهند به یک زخم ناسور و یک معضله جدی تبدیل شده است و باعث تنشها و برخوردهای مسلحانه قومی میان مردم ما گردیده و کماکان ادامه دارد، مگر دولت افغانستان و حامیان بین المللی آن به این معضله توجهی نکرده و

نمی کنند، و این در حالیست که در افغانستان هزاران هکتار زمین قابل زرع و سکونت در اختیار دولت است و میتوان آنان را به بسیار سهولت اسکان داده و جا به جا ساخت.

۱۲. در نتیجه جنگها، انتقام کشی ها و عقده گشایی های سه دهه اخیر میلیونها افغان به علت های گوناگون وادار به ترک خانه و کاشانه شان شده و به اقصی نقاط جهان و به خصوص کشورهای پاکستان و ایران پناه برده و اقامت گزیده اند. پناه گزینی که در پاکستان و ایران به سر میبرند از حقوق پناهنده گی کاملاً محروم بوده و در وضعیت ناهنجار و رقتباری قرار دارند، همچنان بسیاری از پناهنده گان افغان در اروپا و سائر نقاط جهان در حالت بی سرنوشتی به سر میبرند که ایجاب مینماید تا دولت افغانستان و حامیان خارجی آن به خاطر دفاع از حقوق آنان با دولتهای ذیربط به گونه یی جدی وارد مذاکره شده و زمینه های لازم را جهت بازگشت آبرومندانۀ آنان فراهم نمایند.

۱۳. به همه گان روشن است که افغانستان یکی از بزرگترین تولید کننده گان مواد مخدر در جهان بوده و سالانه صدها تن تریاک و هرویین از این کشور به سراسر جهان ارسال میگردد. پس جای شک نیست که در عقب این تجارت بزرگ و پر درآمد دست مافیای جهانی مواد مخدر دخیل بوده و در میان تمام طرفهای درگیر از مقامات دولت دست نشانده گرفته تا حامیان بین المللی آن و حلقات بالای طالبان، از نفوذ و مؤثریتی برخوردار است و همکاری آنان را با خود دارد. ما ضمن تقییح این عمل زشت و ضد انسانی از تمام طرفهای درگیر جدا تقاضا مینماییم تا به خاطر منع کشت، تولید و ترافیک این مواد به گونه یی عملی و صادقانه اقدام نمایند.

ما اشتراک کننده گان این گردهمایی و حرکت اعتراضی به این باوریم که خواستها و مطالبات فوق الذکر آرمانهای مجرد و انتزاعی روشنفکرانه نبوده بلکه نیازهای عاجل، مبرم و حیاتی مردم رنج دیده افغانستان میباشد که بایستی هرچه زودتر به آن توجه و رسیده گی صورت گرفته و از ادامه آن جلوگیری به عمل آید.

کمیته تدارک اکسیون اعتراضی در برابر "کنفرانس بن دوم"

۱۶ اکتبر ۲۰۱۱